خبر

انتقاد از تصمیم تهیه‌کنندگان چند فیلم در اکران مردمی استانی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی گفت: مخالفت تهیه‌کنندگان در اکران فیلم‌های «تمساح خونی»، «صبحانه با زرافه‌ها» و «بی‌بدن» باعث شد ما نتوانیم درخواست‌های مردم برای اکران این سه فیلم را برآورده کنیم. محمد حسین‌زاده گفت: با توجه به درخواست‌های زیاد مردم برای اکران فیلم‌های «تمساح خونی»، «صبحانه با زرافه‌ها» و «بی‌بدن» تلاش‌های زیادی انجام دادیم که متاسفانه به‌دلیل مخالفت تهیه‌کنندگان آنها، اتفاقاتی خارج از اختیار ما رخ داد که من گلایه خود را اعلام می‌کنم و این‌که اگر قرار است فیلمی به جشنواره استانی راه پیدا نکند، نباید در جشنواره کشوری هم اجازه اکران داشته باشد؛ چراکه تفاوتی میان تماشاگران استان‌ها و پایتخت وجود ندارد. وی افزود: بسیاری از سینماگران امکان حضور در ستاد مرکزی جشنواره فیلم فجر در تهران را طی ۱۰ روز متوالی ندارند و ترجیح می‌دهند فیلم‌ها را در شهر خودشان تماشا کنند و ما این امکان را از سینمادوستان و علاقه‌مندان دریغ کردیم و این مساله با وجود همه برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها، تلخ‌ترین قسمت جشنواره برای من بود. حسین‌زاده دلیل حذف فیلم «دو روز دیرتر» را این‌گونه بیان کرد: فایل این فیلم مشکل فنی داشت و این امر باعث شد امکان پخش در مشهد فراهم نشود. در بسیاری از استان‌ها فیلم‌ها به‌دلیل نقص در فایل فیلم با تاخیرهای زیاد یا لغو مواجه شد که ما در روز اول تنها یک فیلم را با تاخیر پخش کردیم./ایسنا

دعوتید به تنها مو

گفت‌وگو با دکتر مجید علیزاده، مدیر موزه لانه جاسوسی

محمد دشتی
گروه فرهنگ و هنر

سفارت سابق آمریکا در تهران که در خیابان طالقانی قرار دارد، اکنون به موزه‌ای با عنوان باغ‌موزه استکبارشناسی تبدیل شده است؛ موزه‌ای که بازدید از آن برای عموم مردم آزاد است و همه‌روزه (به‌جز مناسبت‌های تعطیل مذهبی) آماده میزبانی از مراجعان است. تماشای این موزه علاوه بر جذابیت‌های منحصربه‌فرد، آموزه‌های بسیاری برای سنین مختلف دارد. گستره وسیعی از امکانات جاسوسی تا اسناد و روابط و... فرصتی دست داد تا در تحریریه روزنامه جام‌جم میزبان دکتر مجید علیزاده، مدیر موزه لانه جاسوسی(سفارت سابق) آمریکا و رئیس بنیاد استکبارشناسی باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده، نویسنده و پژوهشگر با اوست.

به‌عنوان مدیر موزه لانه جاسوسی(سفارت سابق آمریکا) که در عین‌حال متخصص غرب‌شناسی با گرایش تمدن نوین اسلامی هستید، تصویری از آنچه در آنجا می‌گذشته و اهدافی که دنبال می‌شده است، بدهید تا روشن شود که اساسا چرا این سفارتخانه، لانه جاسوسی نامیده شده است و آمریکایی‌ها با چه هدفی جاسوسی می‌کرده‌اند؟

موزه لانه جاسوسی یا (سفارت سابق آمریکا) با وسعتی در اندازه ۵۲۰۰ متر مربع که هیچ‌چیز آن با یک سفارتخانه خارجی تطابق ندارد، با توجه به دکترین ترومن، در حقیقت مرکز جلوگیری از اشاعه کمونیسم بوده است. ضمن این‌که باید توجه داشته باشیم، آمریکایی‌ها، محمدرضا پهلوی را عددی حساب نمی‌کردند که بخواهند چنین مکانی را برای مقابله با او تدارک ببینند. اسناد موجود این موضوع را تایید می‌کند؛ ازجمله حدود ۲۰ کتاب که محتوای آن در مورد صربستان، برزیل، کوبا و هر جای دیگری که بوی کمونیسم از آن استشمام می‌شده است. البته آنچه به‌دست ما رسیده است، فقط بخش محرمانه‌های اسناد است، زیرا اسناد سری و فوق‌محرمانه قبل از دسترسی سوزانده شده و از بین رفته است. سفارتی که ابنیه، وسایل و ملزوماتی در آن قرار دارد که حاکی از کار و اعمال جاسوسی در راستای همان ماموریت اصلی سفارت یعنی جلوگیری از اشاعه کمونیسم تهیه و تدارک دیده شده است؛ ازجمله دیش ماهواره‌ای که ۶۰ عدد از آن در ایران نصب بوده و بهره‌برداری می‌شده است و اکنون یک نمونه آن در محوطه سفارت نمونه‌سازی شده است یا وسایل استراق سمع و تجهیزات پیچیده‌ای که با استفاده از مهندسی و دانش روز با رعایت نکات امنیتی، به‌طور خاص و ویژه ساخته شده و داخل سفارت وجود دارد یا زیرزمین‌های جالبی که از سفارت آمریکا در خیابان آیت‌ا... طالقانی به فرودگاه مهرآباد، کلوپ آمریکایی‌ها و... مرتبط و تا آن مقاصد خاص راه دارد.

علاوه بر آن صد واندی دستگاه کامپیوتر که با ده‌ها رک (یک شاسی فریم فلزی است که دستگاه‌های سخت‌افزاری مختلف شبکه‌های کامپیوتری و سرور را نگه داشته و سازماندهی و ایمن می‌کند) با یکدیگر مرتبط بوده‌اند، در سفارت موجود است و جالب این که روس‌ها هنگامی که برای بازدید می‌آیند، متعجب و با دهانی باز این امکانات را که ۶۲ سال قبل برای کنترل بلوک شرق در اینجا تعبیه شده، نگاه می‌کنند. برای این که مشخص شود این رایانه‌ها با چه دقت و اهمیتی تهیه و در آنجا مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، باید اشاره کنم حتی یک عدد از این رایانه‌ها را در آن دوره روی میز محمدرضا شاه به‌عنوان شاه مملکت پیدا نمی‌کنید، چون اگر چنین بود باید نمونه‌هایی از آن را در کاخ سعدآباد می‌دیدیم. به استناد همین موارد است که اعتقاد داریم، چنین جایی را نمی‌توان سفارت یک کشور تلقی کرد. با آن که معمول است و آمریکایی‌ها در فیلم‌های هالیوودی چشم‌انداز و آرزوهای ۱۰سال آینده خود را به تصویر می‌کشند اما درآنجا امکاناتی وجود دارد که در فیلم‌های هالیوودی آن زمان هم نمی‌توان سراغش را گرفت. دلیل انتخاب ایران برای این که سفارتی را به چنین امکاناتی تجهیز کنند، همان نگاه ویژه جیمی کارتر، رئیس‌جمهور (وقت) آمریکاست که ایران را جزیره امن منطقه و شاه را مطمئن‌ترین فرد برای حمایت از چنین پایگاهی می‌داند.

حمایت‌های میدانی هم براین اساس پی‌ریزی و اجرا می‌شده...

بنا به اسنادی که موجود است، حدس آمریکایی‌ها این بوده که دکتر مصدق یک نیرو با گرایش چپ سیاسی است و به سوی کمونیسم حرکت می‌کند و به همین دلیل هم در نصفه‌روزی، حکومت او را ساقط می‌کنند. این چه جور سفارتی است که وقتی توسط دانشجویان چپ ـ در دور اول اشغال سفارت در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ـ تسخیر و رها می‌شود، سفیر آمریکا یعنی سالیوان با سه چهارم نیروهای سفارت از ایران می‌رود و از یک چهارمی که باقی می‌مانند، سه چهارم آنها رنجر (United States Army Rangers) به معنای تکاوران ارتش آمریکا بوده‌اند که در واقع نیروی‌های ماهر و آموزش‌دیده درحوزه عملیات در کویر و کوهستان هستند. موضوعی که بعد از آن تاریخ سفارت آمریکا را بیشتر به یک پادگان نظامی آن هم از نوع چریکی و با حضور نیروهای ویژه تبدیل می‌کند.

در تصور عمومی آنچه در سفارت یا تعبیر درست‌تر لانه جاسوسی آمریکا موجود است، تعدادی دستگاه‌های الکترونیکی یا خرت و پرت است که اهمیت چندانی ندارد. به نظر می‌رسد اگر در این خصوص به‌درستی و شایسته اطلاع‌رسانی شود، جدای از جذابیت‌های موزه‌ای و عام، می‌تواند در مسیر روشنگری اقدامات استکبار در کشورهای تحت سلطه هم مؤثر و باعث روشنگری شود اما گویی در این مورد و خیلی از موضوعات دیگر که برای انقلاب ما اهمیت استراتژیک و حیاتی دارند، دچار نوعی غفلت تاریخی هستیم!

شروع این نوع موزه‌داری به دوران رنسانس برمی‌گردد. بنا بود که موزه‌ها در جنبش رنسانس کار روشنگری و آموزشی انجام دهند تا مردم از طریق آشنایی با گذشته و تاریخی که پشت‌سر گذاشته‌اند و عبرت‌هایی که در آن وجود دارد، از برگشت به عقب و درجا زدن مصون بمانند. حالا و در هدفگذاری جدید که برای مدیریت و فعال کردن بیش از پیش موزه لانه جاسوسی انجام داده‌ایم، قصد و هدف تعیین‌شده در این روش، روشنگری و آگاهی‌بخشی به مخاطبان در خصوص وقایع تاریخی، برای جلوگیری از تکرار و پرهیز آن است. به همین دلیل و در عین حال که به مخاطب عام توجه داریم، مدارس، دانش‌آموزان، معلمان، دانشگاه‌ها و دانشجویان از جمله گروه‌های اصلی هدف ما هستند. در ارتباط با مدارس نیز اولویت‌هایی قائل شدیم و ابتدا تورهایی را برای معلمان تاریخ اجرا کرده و در ادامه به سمت دانش‌آموزان رفته‌ایم. ضمن این که تلاش کرده‌ایم، نوع ارتباطی که برقرار می‌شود و آنچه بیان می‌شود، جنبه علمی و حرفه‌ای به خود بگیرد به نحوی که مخاطب و بخصوص دانش‌آموزان و دانشجویان، موزه را به عنوان بخشی از تاریخ ایران ببینند و سیر آن را هم از آغاز برنامه استعماری علیه کشور و به عنوان مثال از قیام رئیسعلی دلواری برای مراجعین روایت می‌کنیم تا مخاطبان ضمن آشنایی بیشتر با این سیر تاریخی، با یک کل منسجم روبه‌رو شوند و بتوانند تصوری جامع و در عین حال دقیق علمی و مستند از این برهه از تاریخ به دست بیاورند. همچنین در تکمیل موضوع به بیان مختصر تاریخ ایران زمین از ابتدا تا عصر حاضر و تمدن اسلامی می‌پردازیم تا افراد ضمن آشنایی با هویت و سابقه سرزمینی و تمدنی خود بتوانند با ریشه‌ها آشنا شوند و به تبع آن با نگاهی افتخارآمیز، قطعه‌ای از تاریخ معاصر را در آیینه موزه ببینند و بیاموزند. خوشبختانه با تفاهمی که با آموزش و پرورش صورت گرفته، ساعاتی از درس تاریخ معاصر در محل موزه برگزار می‌شود که خیلی مورد استقبال معلمان و دانش‌آموزان قرار گرفته و ظرف حدود ۲ ماه حدود ۴۰۰۰ دانش‌آموز و حدود ۸۰۰ نفر از دانشجویان، معلمان و افرادی در این زمینه به موزه مراجعه کرده‌اند. ضمن این که برخی از مدارس و مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها بعد از بازدید از موزه، تقاضا داشتند از سوی موزه در این مراکز حضور پیدا کنیم و با برگزاری کارگاه و کلاس‌های آموزشی متنوع و جذاب با مشارکت مخاطبان، با جمع بیشتری ارتباط بگیریم که این کار صورت گرفته و باعث ایجاد ارتباطی دو سویه بین موزه و این مراکز آموزشی، علمی و پژوهشی شده است.

آنچه بیان شد نشانگر واقعیت‌های با اهمیتی است که به نظر می‌رسد، اتفاقا در راستای جهاد تبیین می‌توان به آن پرداخت و اهمیتی را که تسخیر سفارت آمریکا به عنوان حرکتی که باعث اخراج امریکایی‌ها به عنوان نماد استکبار شد، به طور مستند و جذاب بیان کرد.

همین طور است. بخش دوم انقلاب معاصر ایران، یعنی مقطع تاریخی پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا که اهمیت زیادی دارد که - به هر دلیلی چه آن را غفلت بدانیم یا نام دیگری بر آن بگذاریم - از یادها رفته و گاهی به نظر می‌رسد انگار اصراری وجود داشته است که این فراز از تاریخ انقلاب

قاب

جنگ در غزه را متوقف کنید

مارک رافلو در مراسم اهدای جوایز انجمن کارگردان‌های آمریکا، خواستار آتش‌بس پایدار در غزه شد.

وی گفت: هنرمندان خواستار آتش‌بس دائمی در غزه هستند. رافلو در ادامه گفت: ۲۷ هزار فلسطینی کشته شده‌اند، پس این بمباران اثر ندارد، ما که راه خود را به سوی صلح بمباران نمی‌کنیم. ما در حال حاضر یک میلیون پناهنده در مرز رفح داریم که در انتظار موج بمباران دیگری هستند، در حالی که در حال حاضر ۴۰۰ هزار نفر از گرسنگی در آستانه مرگ هستند و اجازه ورود هیچ کمک بشردوستانه‌ای برای ورود به آنجا داده نمی‌شود.

نمای نزدیک

می‌گفتند به «خندوانه» آمده‌ای تا بازیگر شوی

ساره رشیدی، بازیگر نقش دکتر صدر در فیلم سینمایی احمد که دیپلم افتخار بهترین بازیگر مکمل زن را دریافت کرد، گفت: باور قلبی من این است که بازیگر باید بتواند توانایی خود را در بازی نشان دهد. سیمرغ را بابت کاری که انجام شده به بازیگر می‌دهند و این به کاری که در ادامه باید انجام بدهد ربطی ندارد؛ بلکه در ادامه توقع‌ها را از بازیگر بالا می‌برد. رشیدی درباره ورود از فضای طنز و استندآپ کمدی به نقش‌های جدی گفت: شاید عجیب باشد اما فضای طنز کمی برایم غریبه است. من سال‌ها تئاتر کار کردم و مانند بسیاری از بازیگران که ناامید شدند و به هر دلیلی تصمیم گرفتند کار بازیگری را کنار بگذارند، ناامید شدم. سال ۹۷ که برای «خندوانه» رفتم هیچ ذهنیتی از استندآپ کمدی نداشتم. رامبد جوان حامی استندآپ کمدین‌ها بود و می‌گفت ساره رشیدی پایش را در «خندوانه» گذاشته که بازیگر شود. همه داوران نیز تاکید داشتند که ساره رشیدی برای بازیگری به «خندوانه» آمده است. دستیار آقای ربیعی مرا از فیلم کوتاه‌ها پیدا کرد. از همان جا مرا برای بازی در این نقش معرفی کردند و بازخوردهای مثبتی نیز گرفتم./ایرنا

اکران

«زندگی و زندگی» اکران می‌شود

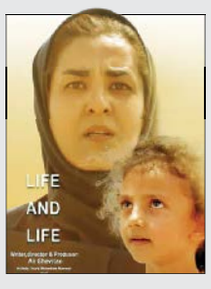

پوستر فیلم سینمایی «زندگی و زندگی» منتشر شد. اکران فیلم سینمایی زندگی و زندگی ساخته علی قوی‌تن از روز چهارشنبه ۲۵ بهمن در سینماهای هنر و تجربه آغاز خواهد شد و سازندگان در آستانه اکران از پوستر این فیلم رونمایی کردند. این فیلم در نمایش‌های بین‌المللی خود در کشورهای مختلف تاکنون موفق به دریافت پنج جایزه معتبر شده است. آخرین جایزه زندگی و زندگی مربوط به فستیوال فیلم مذهب روز ایتالیا است که با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی و تأثیرگذاری عناصر در ژانر اجتماعی و روابط انسانی آن، دیپلم افتخار بهترین اثر را به علی قوی‌تن کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم اعطا کرد. هدا مقدم‌منش، مهربان درویش‌زاده، فرشته همیار، یوسف احمدی، حنانه جعفری و هادی هاشمی بازیگران اصلی فیلم سینمایی زندگی و زندگی هستند. دیگر عوامل پشت صحنه این فیلم عبارت هستند از: مدیر فیلمبرداری: حامد قوی‌تن، طراحی و ترکیب صدا: بهروز شهامت، طراح چهره‌پردازی: ندا مقدم‌منش و تدوین: مهدی حسینی‌وند./جام جم